

## مسائل نظام‌های شخصیتی اقشار کارگر، کارمند و کاسب (مطالعه موردی منطقه ده شهر تهران)

\* حمید رزاقی

### چکیده

از پدیده‌های اساسی حیات جامعه، نظام‌های شخصیتی افراد و گروه‌های اجتماعی است که انواع، ابعاد، مختصات و کم و کیف آن تأثیری به سزا در فرآیندهای اجتماعی داشته و می‌تواند به مثابه یکی از عوامل یا موانع توسعه انسانی - اجتماعی عمل نموده و نقش ایفا کند.

در این پژوهش مسائل نظام‌های شخصیتی بخشی از بافت اجتماعی ایران (اقشار اجتماعی کارمند، کارگر و کاسب در منطقه ده شهر تهران) مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است بدین ترتیب که ضمن شناسایی و توصیف سوگیری‌های شخصیتی قشرهای مذکور، عوامل موثر بر آن تحلیل و تفسیر شده است. تحقیق حاضر با کمک گرفتن از روش پیمایشی با دو خصلت پنهانگر - ژرفانگر (انبوه - موردی) و بهره‌گیری از فن پرسشنامه همراه با مصاحبه (پرسشنامه ساختار یافته) اطلاعات لازم را جمع‌آوری کرده و با توصیف و تحلیل داده‌ها و در نهایت با تغییراتی در پایگاه نظری خود به نتایج ذیل دست یافت.

الف- اقشار و گروه‌های اجتماعی مورد مطالعه از قشرهای اصلی طبقه فرودست جامعه شهری تهران بوده که از لحاظ نوع نظام شخصیتی و ابعاد ارزشی، هنجاری، سیاسی و اقتصادی آن به صورت عمده و فراوانی بسیار بالا سوگیری شخصیتی نابارور (خاص‌گرا و استبدادی) از خود بروز می‌دهند و در عین حال تفاوت معناداری بین اقشار مورد مطالعه از نظر نوع نظام شخصیتی وجود ندارد.

ب- علی‌رغم برخی تغییر و تحولات ساختاری- کارکردی در نظام اقتصادی - اجتماعی یعنی در بخش سخت‌افزاری جامعه شهری تهران از چند دهه اخیر به این سو، گروه‌ها و اقشار اجتماعی مورد مطالعه (کارمند، کارگر و کاسب منطقه ده) به مثابه طبقه فرودست شهری کماکان متأثر از نظام طبقاتی و قشربندی نظام استبدادی و با تأثیرپذیری از نظام شخصیتی استبدادی تاریخی و با اثر تعیین‌کننده تفسیر و کنش ماندگار به صورت دیالکتیک ماندگی، نظام شخصیتی نابارور و خاص‌گرا را در خود بازتولید می‌کنند؛ به طوری که نظام شخصیتی نابارور در آن‌ها هم ساخت اجتماعی استبدادی را بازتولید کرده و هم ساخت استبدادی ذهن را تداوم می‌بخشد که این مسئله از موانع بازدارنده توسعه اجتماعی- انسانی جامعه شهری و از عوامل اساسی سخت‌جانی و عدم پویایی و حرکت لازم جامعه به سوی هویت جمعی عام یعنی هویت مدنی ایرانی است.

کلید واژگان: استبداد، توسعه اجتماعی، خاص‌گرایی، قشربندی، نظام شخصیتی، سوگیری شخصیتی نابارور.

## مقدمه بیان موضوع

در این مقاله انواع یا سنخ‌های نظام شخصیتی در اقشار اجتماعی کارمند، کارگر و کاسب در منطقه ده شهر تهران، شناسایی و بررسی می‌شود؛ به طوری که با کمک گرفتن از نظریه‌های مهم درباره شخصیت، ویژگی‌های شخصیتی اقشار ذکر شده توصیف، تحلیل و تفسیر شده و بدین ترتیب وضعیت نظام‌های شخصیتی تا اندازه‌ای در بخشی از بافت جامعه شهری و در بستر شرایط عینی و معرفتی جامعه ایران روشن گردد.

قبل از بیان ابعاد و زوایای مسئله لازم است تعریفی از مفهوم نظام شخصیتی<sup>۱</sup> ارائه شود. منظور از نظام شخصیتی، هویتی فردی - جمعی است که افراد جامعه از طریق آن و به لحاظ تمایلات و ویژگی‌هایی که دارند خود را از دیگران متمایز کرده و یا به آن‌ها پیوند می‌دهند. این هویت به نسبتی پایدار، منبع اصلی تفسیر موقعیت فرد برای کنش اجتماعی و روابط متقابل با دیگران بوده و به طور عمده شامل عناصر و ابعاد ارزشی، هنجاری، اقتصادی و سیاسی است (عبداللهی، بی‌تا: ۷۰ و ۷۵) که از برآیند دو فرآیند همسان‌سازی<sup>۲</sup> و اجتماعی شدن<sup>۳</sup> در افراد جامعه شکل گرفته و نهادینه شده است (تنهایی، ۱۳۷۴: ۶۱۹ و ۶۲۰).

پژوهش حاضر از چندین پیش‌فرض حرکت می‌کند: نخست آن‌که موضوع نظام‌های شخصیتی یکی از پایه‌های اساسی شناخت شرایط معرفتی جامعه به حساب می‌آید؛ دوم آن‌که ماهیت و سرشت نظام‌های شخصیتی و کم و کیف آن تأثیری شگرف و بنیادین در پدید آمدن و ایجاد کنش‌های اجتماعی در دو سویه ایستایی و پویایی و جهت‌گیری تغییر و تحولات و فرآیندهای جامعه دارد؛ سوم آن‌که این پدیده (نظام‌های شخصیتی) و روند دگرگونی آن حاصل یک فرآیند تاریخی - دیالکتیکی و برآیند تقابل عینی - ذهنی بستر جامعه است که می‌تواند از مقدمات و عوامل مؤثر توسعه اجتماعی - انسانی و یا از موانع آن باشد؛ چهارم آن‌که جامعه ایران علی‌رغم سپهر و بستر استبدادی خاص خود (رهین، بی‌تا: ۱۲) از سه فرآیند و نقطه عطف تاریخی - دیالکتیکی (جنبش مشروطه، نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷) گذر کرده و به نظر می‌رسد این فرایندها به همراه خود موقعیت خاصی را در وضعیت کنونی جامعه ایران در دو سطح نظام اجتماعی (کلان) و نظام شخصیتی (خُرد) و در تقابل با بستر تاریخی استبدادی ایجاد کرده باشند؛ پنجم آن‌که ماهیت، سرشت و روند این جامعه هم در سطح نظام اجتماعی و هم در سطح نظام شخصیتی که موضوع این پژوهش است همچنان در حاله‌ای از ابهام باقی مانده و کم و کیف آن نامشخص است به طوری که سازوکار (مکانیسم) و

<sup>1</sup> personality System

<sup>2</sup> assimilation

<sup>3</sup> socialization

پویایی (دینامیسم) تغییرات فکری - شخصیتی - منشی در ایران معاصر آن‌گونه که باید به لحاظ علمی شناخته شده نیست (عبداللهی، بی تا: ۶۸ و ۶۹)؛ و در نهایت آن‌که چگونگی و چیستی نظام‌های شخصیتی در افراد و گروه‌های اجتماعی ایران معاصر و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند به مثابه گامی آغازین در راه طراحی و برنامه‌ریزی فرهنگی - اجتماعی به منظور ایجاد، گسترش و نهادینه شدن هویت مدنی عام ایرانی باشد.

با توجه به طرح مسأله فوق پرسش اساسی این است که در شرایط کنونی جامعه شهری ایران واجد چه ویژگی‌ها و سوگیری‌های شخصیتی به لحاظ ارزشی، هنجاری، اقتصادی و سیاسی است و احتمالاً چه عواملی بر این وضعیت مؤثر و یا تعیین کننده بوده است.

### ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت و فایده این نوع از مطالعات در آن است که در پرتو آن‌ها می‌توانیم رابطه تقابلی سوگیری‌های شخصیتی را با شرایط اجتماعی و در بستر و موقعیت کنونی جامعه ایران به طور اعم و جامعه شهری به طور اخص باز شناسیم. بدین ترتیب با فهم و دریافت ویژگی‌های شخصیتی خواهیم توانست نیروها و منش‌های کهنگی را از نیروها و منش‌های تازگی تمیز داده و مشخص نماییم که کدام گروه‌ها و اقشار اجتماعی با جهت‌گیری شخصیتی خود پای در بالندگی و توسعه اجتماعی - فرهنگی دارند و کدام گروه‌ها و اقشار اجتماعی با جهت‌گیری شخصیتی خاص خود مانع بالندگی خود و جامعه هستند. علاوه بر این با بررسی سنخ‌های شخصیتی در جامعه خواهیم توانست آگاهانه و مدبرانه و با راه‌یافتی انتقادی - تفسیری در راه خلق و پیدایی و گسترش هویت‌های جمعی هر چه عام‌تر قدم به قدم گام برداریم و از این طریق و به کمک این شناخت‌ها خواهیم توانست با دانش بیشتر عناصر منفی و بازدارنده شخصیتی را که از موانع عمده توسعه اجتماعی - انسانی است را از خود زدوده و عناصر مثبت و بالنده آن را هر چه بیشتر در خود تقویت نماییم و به نوعی با چشم باز دست به پالایش فکری و فرهنگی بزنیم.

### مبانی نظری

در این بخش پس از بررسی و نقد منابع و دیدگاه‌های موجود درباره شخصیت و طبقه‌بندی آن‌ها، چارچوب نظری تدوین شده و فرضیه‌های تحقیق ارائه خواهد شد.

### نگاهی به پیشینه پژوهش

در حوزه روان‌شناسی سه رویکرد عمده درباره شخصیت و نظام شخصیتی وجود دارد که عبارت‌اند از: رویکرد روان‌شناسی کلاسیک، رویکرد رفتارگرایی و رویکرد جنبش استعداد‌های بشری.

در رویکرد روان‌شناسی کلاسیک، انسان و نظام شخصیتی وی تحت عوامل و نیروهای

تعیین‌کننده درونی شکل گرفته، تکوین یافته و در نهایت ثبات و پایداری می‌یابد. بنابراین رویکرد مزبور تصویری ثبات‌مند و نسبتاً غیر پویا از انسان به دست می‌دهد چرا که او را در بند نیروهای سرشتی، غریزی، جراحات‌های عاطفی کودکی و عوامل ناهشیار در نظر گرفته و از انسان در انتخاب در راه اعتلا و غنای شخصیتی خود، سلب مسئولیت می‌کند و در نهایت به جنبه‌های ناسالم و بیمار طبیعت و روان آدمی تأکید دارد. (عظیمی، ۱۳۵۶: ۲۸؛ اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۶۹: ۸۸ تا ۹۵)

در رویکرد رفتارگرایی انسان و نظام شخصیتی او تحت عوامل و نیروهای تعیین‌کننده بیرونی شکل گرفته و در نهایت ثبات و پایداری می‌یابد چرا که او را در بند شرایط عینی - محیطی (محرک و پاسخ) می‌داند. اینان نیز از انسان در توان انتخاب او در راه اعتلا و رشد شخصیتش سلب مسئولیت نموده و تصویر جبرگرایانه‌ای از وی بدست می‌دهند تا جایی که صحبت از فناوری رفتار می‌کنند که به وسیله آن می‌توان آدمی را به هر صورت درآورد و به انقیاد کشید. (کریمی، ۱۳۷۳: ۴۶ تا ۴۷؛ سیاسی، ۱۳۷۴: ۱۹۶ تا ۳۰۳؛ اسکینر، ۱۳۷۰: ۱۷ تا ۴۷)

در رویکرد جنبش استعداد بشری هر چند انسان و نظام شخصیتی او تحت تأثیر عوامل و نیروهای درونی و بیرونی است اما می‌تواند در برابر گذشته، طبیعت زیست‌شناختی، عوامل ناهشیار و یا اوضاع و احوال محیط خویش بپا خیزد و از قید و جبر این نیروها فراتر رود. بنابراین در این جا تصویر خوش‌بینانه و امیدبخش از انسان به دست داده می‌شود و او را موجودی در نظر می‌گیرند که می‌تواند آگاهانه بر زندگی خود تسلط یابد و مسئول سرنوشت خود گردد و گام در راه گسترش و تعالی هر چه بیشتر و بهتر و انسانی‌تر شخصیت خود گذارد. بنابراین شخصیت آدمی را پویا (دینامیک) و خلاق، آفرینش‌گر، آزاد، مختار و مسئول در قبال خود و دیگران به حساب آورده و در نهایت به وجوه سالم طبیعت و روان آدمی تأکید دارد (شولتز، ۱۳۶۲: ۱۲۸ تا ۱۴۶؛ مزلو، ۱۳۷۱: ۴۳؛ فرانکل، ۱۳۷۴: ۱۴۱ و ۱۵۶ و ۱۵۷).

از سوی دیگر سه رویکرد فوق در حوزه روان‌شناسی درباره موضوع شخصیت در وجوه زیر اشتراک نظر دارند: تمامی نظریه‌های روان‌شناسی، نظام شخصیتی و شخصیت را پدیده‌ای فردی (روانی) دانسته و فرد را حداکثر در تمام ابعادش شناخته و مطالعه می‌کنند. در عین حال شخصیت را کلیتی روانی در نظر گرفته که از اجزاء و عناصرش برتر و متمایز است که قابل تقلیل به هیچیک از اجزایش نیست و نظام شخصیتی را شامل ویژگی‌ها و خصوصیات می‌دانند که بر اساس آن هر فردی خود را از فرد دیگر متمایز می‌سازد به طوری که قابل تعمیم به دیگران و گروه‌های اجتماعی نیست (ای پروین، ۱۳۷۳: ۵).

در حالی که در روان‌شناسی واحد تحلیل در موضوع شخصیت فرد بوده و آن چیزی که عمده می‌شود تفاوت‌ها و تمایزهای فردی است، در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی واحد تحلیل گروه اجتماعی است و نظام شخصیتی به عنوان پدیده‌ای جمعی و در قالب گروه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۴۰ و ۲۴۱) به بیان دیگر حوزه مطالعاتی روان‌شناسی در باب شخصیت بسان چشمه‌ها و نهرهای کوچک از هم جدا

است اما در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی حوزه مطالعاتی درباره شخصیت از جایی آغاز می‌شود که این چشمه‌ها و نهرهای کوچک (افراد) به هم پیوسته و تشکیل گروه‌های اجتماعی را داده باشند.

جستار روان‌شناسی اجتماعی در هر نظریه جامعه‌شناختی و یا انسان‌شناختی در پی بررسی و تشریح این موضوع است که ساختار اقتصادی - اجتماعی و اجزاء آن چگونه در انسان درونی می‌شوند و سپس چگونه به شکل سنخ‌های اجتماعی شخصیت در قالب گروه‌های اجتماعی بروز می‌کنند؛ یعنی فرآیند ورود ساختار اجتماعی در افراد و گروه‌های اجتماعی (جامعه‌پذیری) و فرآیند خروجی آن به معنی سنخ‌سازی اجتماعی شخصیت چگونه عمل می‌کند؛ در هنگام درونی کردن تأثیر ساختار اجتماعی بر افراد به صورت رخنه و نفوذ در فرآیند جامعه‌پذیری و فراگیری هنجارهای فرهنگی و ارزشی موجب می‌شود افراد در گروه‌های مختلف جامعه به توقعات و انتظارات نظام اجتماعی آشنایی کامل پیدا کرده و سپس مرحله دوم یعنی سوگیری شخصیت در برابر جامعه و نظام اجتماعی آغاز می‌شود به طوری که در این بخش از فرآیند اجتماعی شدن، افراد در گروه‌های اجتماعی به دلیل وابستگی و تعلق گروهی، سوگیری مشابه و سنخ شخصیتی واحدی از خود بروز می‌دهند که از آن تحت عنوان نظام شخصیتی یاد می‌شود. پس همیشه یک رابطه متقابل بین فرهنگ یک جامعه و شخصیت‌های سنخ‌سازی شده وجود دارد که تمام جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز به نوعی به این سنخ‌سازی‌های شخصیتی اشاره دارند (تنهایی، ۱۳۷۴: ۲۴۰).

در حوزه جامعه‌شناسی چهار دیدگاه عمده درباره شخصیت و نظام شخصیتی قابل تشخیص است که عبارت‌اند از: دیدگاه عوامل‌گرایی انسجامی، دیدگاه عوامل‌گرایی تضادی، دیدگاه تفسیر‌گرایی و دیدگاه انسان‌گرایی مشارکتی.

در دیدگاه عوامل‌گرایی انسجامی فرد اجتماعی چگونگی زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرد ولی چگونگی درونی شدن زندگی اجتماعی در نظام شخصیتی و قوام گرفتن شخصیت تحت تعیین و تأثیر قاطع هنجارها و ارزشهای نظام اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای ساختاری می‌شود تا افراد و گروه‌های اجتماعی بتوانند در جهت هم‌رنگی و هم‌آهنگی با ساختار اجتماعی آمادگی لازم را فراهم آورند. در این مدل، نظام شخصیتی قالبی است که از نیروهای فرهنگی و اجتماعی پُر شده تا بتواند متناسب با نظام اجتماعی و فرهنگی رفتار نماید. کارکرد نظام شخصیتی کمک به افراد جامعه است تا بتوانند خود را با کل نظام اجتماعی از طریق راه‌ها و اهداف مورد قبول تطبیق دهند. در نهایت این شکل و محتوای نظام اجتماعی است که شکل و محتوای نظام شخصیتی را تعیین می‌کند حتی از دیدگاه پارسونز که متفکر اصلی این نحله است فرد اجتماعی مجبور است که راهی را از میان راه‌های موجود و اهداف مورد قبول نظام اجتماعی انتخاب کند؛ در غیر این صورت کج‌رو و منحرف قلمداد می‌شود. (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۴۳ و ۲۴۴؛ ادیبی و انصاری، ۱۳۵۸: ۷۴ تا ۷۷؛ نظامی، ۱۳۵۳: ۱۲۰ و ۱۲۱؛ عبداللهی، ۱۳۷۱: ۶۷ و ۶۸) به طوری که متغیرهای الگویی ایشان انتخاب‌های محدودی را تحت شرایط

تعیین‌کننده فرهنگی و هنجاری پیش پای انسان می‌گذارد و نوعی جبر و جدل ماندگی را به انسان و گروه‌های اجتماعی تحمیل می‌کند.

در دیدگاه عوامل گرای تضادی با این که گونه شخصیتی تحت تعین ساختار اجتماعی است اما این ساختار یک‌دست و یک‌پارچه نبوده و شکل و محتوایی متکثر و طبقاتی دارد که تحت تعین ساختار طبقاتی، سنخ‌های شخصیتی طبقاتی شده، شکل می‌گیرد که در اعضای طبقات اجتماعی عمدتاً به صورت انواعی از الگوها و سوگیری‌های در خود (بیگانه) بروز می‌کند، به نحوی که هر طبقه اجتماعی سوگیری شخصیتی در خود و بیگانه شده مختص به خود را داراست. با این که طبقات اجتماعی واجد سوگیری شخصیتی «در خود و بیگانه» خاص خود هستند اما این سوگیری‌ها تحت تأثیر قاطع نظام ایدئولوژیک و روابط تولیدی حاکم است، منتها شکل بروز آن در طبقات مختلف اجتماعی تا اندازه‌ای از یک‌دیگر متفاوت و متمایز است. از سوی دیگر الگوها و سوگیری‌های شخصیتی «در خود و بیگانه» در طبقات اجتماعی استثمار شده، تحت اثر تعیین‌کننده رشد نیروهای تولید و بسته به پتانسیل هر طبقه برای رشد و تکامل اجتماعی و هم‌چنین بسته به میزان شعور و آگاهی آن طبقه، به الگوها و سوگیری‌های شخصیتی «برای خود» منجر می‌شود. در واقع برای تبدیل سوگیری شخصیتی «در خود» به سوگیری‌های شخصیتی «برای خود» آن‌چه تعیین‌کننده اصلی است، درجه رشد نیروهای مولد است به طوری که تحول در نظام شخصیتی منوط به تحول در ساختار اقتصادی - اجتماعی باشد (تنهايي، ۱۳۷۴: ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۴۰؛ آریان‌پور، ۱۳۵۷: ۲۳۷؛ کوزر، ۱۳۷۰: ۸۴ و ۸۵). بدین ترتیب عوامل گرایان تضادی شرایط اجتماعی را مقدم و تعیین‌کننده شعور اجتماعی دانسته و توان انسان را در تفسیر و عمل اجتماعی و خلق شعور و شرایط اجتماعی تازه و نوین نادیده می‌انگارند و در نهایت انسان و جامعه را در چنبره جبر تاریخ گرفتار می‌کنند.

صاحب‌نظران دیدگاه تفسیرگرایی بر این باورند که در علوم اجتماعی و پدیده‌های مورد بررسی آن، عامل یا عوامل نقشی تعیین‌کننده، جبری و قطعی ندارند؛ بلکه عواملی که نظریه‌های عواملی از آن تحت عنوان علت یا متغیر مستقل نام می‌برند تنها مقدمه‌هایی هستند که بر پدیده‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند و هیچ‌گاه علت تعیین‌کننده آن‌ها نیستند چرا که در پدیده‌های انسانی - اجتماعی با انسان یعنی موجودی با شعور، خلاق و معنی‌کننده شرایط سر و کار داریم که هر چند تحت تأثیر شرایط عینی و ذهنی قرار دارد اما در تحلیل نهایی این اوست که با تفسیر خود از موقعیت و قدرت انتخابی که در شرایط عینی - ذهنی دارد، می‌بیند، می‌فهمد و به کنش و واکنش می‌پردازد. در این دیدگاه به جای واژه شخصیت از واژه «خود» استفاده می‌شود چرا که به نظر آنان «خود» یک فرآیند مستمر و دایمی است که تا پایان عمر در حال پویا و تغییر است، در حالی که شخصیت دارای خصلتی ثبات‌مند و بلورین است. «خود» دارای دو جنبه است:

me که بخش اجتماعی شخصیت است که در تجربه اجتماعی زاده شده و رشد پیدا

می‌کند و بدین طریق توقعات، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را به‌درون می‌ریزد. I که همان قوهٔ فهم، معناسازی و تفسیرسازی شخصیت است به بیانی نمایندهٔ بُعد فردی شخصیت می‌باشد.

بین me (بعد هستی اجتماعی) و I (بعد آگاهی آدمی) به‌طور مداوم یک جدل دیالکتیکی برقرار است که حاصل این جدل self یا «خود» است. «خود» یک هویت ثابت نیست بلکه یک فرآیند است که مدام مثل یک تحلیل‌گر و مفسر تعارضات بین me و I را تحلیل و تفسیر می‌کند که پس از تفسیر و ارزیابی موقعیت، تصمیم گرفته و عمل می‌کند. حال «خود» یا self اگر از میان me‌های موجود و مورد قبول جامعه یکی را برگزیند در آن صورت شخصیت آدمی محتوایی الگو بردار، تقلیدی و کلیشه‌ای داشته که تسلیم و تبعیت از هنجارها و ارزش‌ها و نقش‌های از پیش تعیین شده و محول از ویژگی‌های چنین شخصیتی است در این صورت عمل انسان دیگر کنش نیست بلکه واکنشی و انفعالی است، یعنی کنش نامادین است که به این ترتیب چه در سطح رفتار فردی (خُرد) و چه در سطح رفتار جمعی و پیوسته دچار جدل و دیالکتیک ماندگی می‌شود. از سوی دیگر اگر «خود» یا self پس از گرفتن معانی me‌های موجود در جامعه بتواند آن‌ها را تفسیر و تحلیل نماید به طوری که از شرایط و واقعیت‌های اجتماعی عادت‌ی بگسلد و آن‌ها را از نو مورد ارزیابی قرار دهد در آن صورت me‌های موجود را نفی کرده و دست به انتخاب راه و رسم تازه زده و me‌های نوین اجتماعی را خلق خواهد کرد که در آن صورت عمل انسان کنش نامادین خواهد بود که به این ترتیب در دو سطح رفتار فردی و رفتار جمعی واجد جدل و دیالکتیک تازگی می‌گردد که همواره در پی نهادینه شدن معیارهای عام و فرارونده هم در خود و هم در جامعه است (تنهایی، ۱۳۷۴: ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱).

در دیدگاه انسان‌گرایی مشارکتی آنچه شخصیت انسان را پایه‌ریزی می‌کند حاصل برآیند دو فرآیند در هم تنیدهٔ همسان‌سازی<sup>۴</sup> و اجتماعی شدن<sup>۵</sup> است که اریک فروم به آن منش اطلاق می‌کند. منش، قالب یا نظام به نسبت پایداری است که انسان خود را از طریق آن به دیگران، طبیعت و جهان هستی پیوند می‌دهد و بر خلاف نظر فروید ریشه در نیروهای لیبیدو نداشته و چندان تابع غرایز نیست بلکه ریشه در نیاز انسان به ارتباط با دیگران و جهان هستی دارد تا از درد تنهایی و اضطراب ناشی از آن رهایی یابد. منش یک نظام پویا است که ضمن این‌که منبع و مأخذ رفتار آدمی و ویژگی‌های آن است، تمامی آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی و غیره از آن نشأت می‌گیرد و پایهٔ داوری انسان دربارهٔ جامعه‌اش است؛ در عین حال منش فرد یا گروه یا طبقهٔ اجتماعی قابل تغییر است (نصری، ۱۳۷۱: ۳۷۱ و ۳۷۲؛ فروم، ۱۳۶۰: ۵۴ و ۷۰ و ۷۴ و ۷۵؛ تنهایی، ۱۳۷۴: ۶۲۰ - ۶۳۱). منش دارای دو بخش است (تنهایی، ۱۳۷۴:

<sup>4</sup> assimilation

<sup>5</sup> socialization

۶۲۰- ۶۳۱؛ فروم، ۱۳۶۶: ۴۴):

- منش اجتماعی: وظیفه این منش قالب‌ریزی انرژی افراد و گروه‌های اجتماعی در جهت اهداف و مقاصد جامعه بوده و آن‌ها را با ارزش‌ها و هنجارهای مسلط اجتماعی هم‌سو و هم‌آهنگ می‌کند.

- منش فردی: این منش همواره در تلاش است تا کنش‌های آدمی را با طبیعت وجودیش هم‌سو کند؛ میل به آزادی، هم‌کاری و هم‌بستگی بدون قید و شرط، عشق به هم‌نوع و احترام متقابل و ... از سائقه‌های بخش وجودی یعنی منش فردی انسان است.

دائماً کشاکشی دیالکتیکی بین منش اجتماعی (طبیعت ثانویه) و منش فردی (طبیعت اولیه) در تمامی طول زندگی انسان برقرار بوده که حاصل آن کیفیت پاسخ‌گویی به شرایط زندگی را تعیین می‌کند. اگر در انسان بخش منش اجتماعی بر منش فردی فائق آید در آن صورت آدمی از انسان‌گرایی (اومانیزم) هنجاری دور شده و تابع شورهای اجتماعی می‌شود. در این صورت نیز شخصیت آدمی، ناسالم و پیرو جبرها و اوامر اجتماعی شده و در یک کلام دچار منش نابارور می‌شود. ولی اگر در انسان منش فردی بر منش اجتماعی فائق آید در آن صورت شخصیت او با طبیعت انسانی و نیازهای وجودیش هم‌سو شده و خود را در مقابل دیگران، طبیعت و جهان مسئول و متعهد می‌داند به طوری که به اختیار و آزادی خویش در تعیین سرنوشت خود باور دارد و همواره در تکاپوی ایجاد دنیای اجتماعی بهتر و متعالی‌تر خواهد بود چنین انسانی واجد منش بارور است (تهایی، ۱۳۷۴: ۶۲۰- ۶۳۰).

افراد و اعضای متعلق به طبقات و اقشار اجتماعی متفاوت بر اساس جایگاهی که هر طبقه و یا قشر اجتماعی در ساختار جامعه (نظام قشربندی) دارند واجد نگرش‌ها، بینش‌ها ارزش‌ها، ایده‌ها و سلوک‌های رفتاری متمایزی نسبت به یک‌دیگرند. به بیان دیگر افراد هر قشر اجتماعی واجد ویژگی‌های شخصیتی کمابیش یکسان و یکدستی هستند؛ ولی در مقایسه با افراد دیگر اقشار اجتماعی، نظام شخصیتی (ویژگی‌های شخصیتی) متفاوتی دارا هستند (کوزر، ۱۳۷۰: ۵۶۳ و ۵۶۴؛ لاروک، ۱۳۵۸: ۷-۱۷).

از سوی دیگر قشربندی جنسی در هر یک از اقشار اجتماعی بر سلوک و رفتار عینی و ذهنی زنان و مردان متعلق به آن‌ها تأثیر گذاشته به طوری که می‌توان گفت زنان و مردان هر یک از اقشار اجتماعی نیز واجد ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی هستند (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۴-۴۸۳).

جایگاه اجتماعی افراد متعلق به قشرهای اجتماعی را می‌توان مبتنی بر پایگاه‌های شغلی درون هر یک از اقشار اجتماعی تعیین کرد (لاروک، ۱۳۵۸: ۴۵ و ۴۶ و ۵۶).

### چارچوب نظری

در این چارچوب ضمن تلفیق دو نظریه انسان‌گرایی مشارکتی اریک فروم و کنش متقابل نمادین مید و بلومر درباره شخصیت از دیدگاه قشربندی اجتماعی و دلایل مؤثر بر تفاوت‌های



نظام‌های شخصیتی در اقصاء مورد مطالعه استفاده می‌شود.

جهت شناخت شخصیت انسان هم باید به روان و نیازهای درون ذاتی وی و هم باید به شرایط و موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی که انسان در آن زندگی و تجربه کسب می‌کند، توجه کرد و مهم‌تر از آن می‌بایست روابط متقابل و برآیند آن‌ها را در نظر گرفت.

با این که انسان تحت تأثیر عوامل، نیروها و جبرهای بیرونی (اجتماعی) و درونی (ذاتی) قرار دارد اما این دو مقدمه تعیین‌کننده قاطع، جاودانه و ابدی شخصیت و کنش‌های او نیستند چرا که انسان مسلح به کیفیت‌هایی است که اگر هر چه بیشتر آن‌ها را به کار گیرد می‌تواند خود را از این جبرها رهایی بخشد. این کیفیت‌ها در آدمی عبارت است از: آگاهی و معرفت نسبت به خود، توان تصویرپردازی و خردورزی، قوه تفسیرگری و تشخیص خیر از شر، انتخاب‌گر، تصمیم‌گیرنده، مختار و خلاق. پس انسان با توجه به داشتن این کیفیت‌ها با این که درگیر شرایط است اما شرطی شده به وسیله این شرایط نیست.

آنچه شخصیت آدمی را پایه‌ریزی کرده و تداوم می‌بخشد حاصل دو فرآیند در هم تنیده و دیالکتیکی روند همسان‌سازی و اجتماعی شدن است. در روند همسان‌سازی انسان، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را به درون می‌ریزد و در فرآیند اجتماعی شدن با داشتن قسوه خودآگاهی، خردورزی و تصویرسازی و با توجه به مقدمات و عوامل جذب شده شرایط و موقعیت را ارزیابی کرده و در تار و پود شرایط اجتماعی دست به انتخاب و کنش می‌زند.

هر چه انسان درجه آگاهی، شعور و شناخت بیشتری پیدا کند قدرت تحلیل و تفسیرش ارتقاء بیشتری یافته و توان انتخاب و کنش‌های اصیل و انسان‌گرایانه در وی فزونی می‌یابد.

نظام شخصیتی مشتمل بر دو بخش است: بخش اجتماعی (me) که فرد از طریق آن با توقعات، هنجارها ارزش‌های اجتماعی آشنا شده و به درون منتقل می‌کند و بدین ترتیب خود را با آن‌ها هم‌سو و هم جهت می‌نماید. بخش فردی شخصیت (I) که از یک‌سو قوه فهم، معناسازی و تفسیر انسان است و از سوی دیگر بعد وجودی وی بوده که همواره در تلاش است تا کنش‌ها و اعمال آدمی را با طبیعت وجودیش هم‌سو و هم جهت نماید.

دائماً کشاکش و جدالی دیالکتیکی میان me و I در طول زندگی فرد برقرار است که برآیند آن نوع و کم و کیف شخصیت آدمی را در تعامل با محیط (جامعه و طبیعت) تعیین می‌کند.

با اینکه نظام شخصیتی<sup>۶</sup>، هویتی ثابت نبوده و فرآیندی دائمی و مستمر است، ولی در آن واحد خصلتی به طور نسبی پایدار دارد به بیان دیگر ارزش‌ها و کنش‌های آدمی ناشی از نظام شخصیتی اوست و در زمان و مکان مشخص نسبتاً پایدار و بادوام است و فقط هنگامی قابل تغییر است که یک تغییر بنیادین در آن به وجود آید.

سلوک و رفتار ذهنی و عینی افراد هر یک از اقصاء و طبقات اجتماعی نیز ناشی از نظام

شخصیتی همان قشرها و طبقات اجتماعی است. به بیان دیگر افراد هر قشر اجتماعی واجد ویژگی‌های شخصیتی کمابیش یک دستی هستند ولی در مقایسه با افراد دیگر اقشار اجتماعی، نظام شخصیتی متفاوتی را دارا می‌باشند. از سوی دیگر قشربندی جنسی در هر یک از قشرهای اجتماعی بر نظام شخصیتی زنان و مردان متعلق به آن‌ها تأثیرگذار است.

انسان نه ذاتاً شرور است و نه ذاتاً خیرخواه؛ بلکه به صورت بالقوه گرایش به هر دو را دارد ولی در نهایت این انسان و سوگیری‌های شخصیتی اوست که تعیین می‌کند به کدام سو برود و هیچ عامل جبری بیرونی و درونی در این امر تعیین‌کننده نیست؛ هر چند ممکن است اثرگذار باشد. در نهایت نظام شخصیتی است که تعیین می‌کند آدمی به کدام سو حرکت کند این‌که به سوی دیالکتیک تازگی (نظام شخصیتی بارور) حرکت کند یا اینکه هم‌چنان در بند دیالکتیک ماندگی (نظام شخصیتی نابارور) باقی بماند.

در این چارچوب برای تعیین جایگاه قشربندی در اقشار اجتماعی کارمند، کارگر و کاسب ملاک تفکیک شغلی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

### فرضیه‌های پژوهش

چند فرضیه در پژوهش حاضر مورد توجه بوده‌اند که عبارت‌اند از:

- احتمالاً تفاوت در نوع نظام شخصیتی افراد مورد بررسی با تفاوت در نوع قشر اجتماعی آنان در رابطه است. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد افراد سه قشر اجتماعی کارمند، کارگر و کاسب از لحاظ نوع نظام شخصیتی تفاوت دارند (کسوز، ۱۳۷۰: ۵۶۳ و ۵۶۴؛ لاروک، ۱۳۵۸: ۷-۱۷).

- احتمالاً تفاوت در نوع نظام شخصیتی افراد مورد بررسی در هر یک از اقشار اجتماعی کارمند، کاسب و کارگر با تفاوت در زنان و مردان آن‌ها در رابطه است. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد زنان و مردان متعلق به هر یک از اقشار اجتماعی مورد بررسی از لحاظ نوع نظام شخصیتی با هم تفاوت دارند (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۴-۴۸۳).

- احتمالاً تفاوت در نوع نظام شخصیتی افراد مورد بررسی با تفاوت در نوع جنس آن‌ها در رابطه است. به بیان دیگر به نظر می‌رسد زنان و مردان مورد بررسی از لحاظ نوع نظام شخصیتی با هم اختلاف دارند (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۴-۴۸۳).

### مبانی روشی

#### تعریف نظری و عملیاتی نظام شخصیتی

نظام شخصیتی یک نظام پویا است که بیان‌گر هویت فردی - جمعی است که هر یک از افراد جامعه از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازند و یا پیوند می‌دهند. این هویت در زمان و مکان معین خصلتی به نسبت پایدار داشته و ضمن این‌که منبع و مأخذ تفسیر انسان از موقعیت برای کنش‌های اجتماعی و روابط متقابل با دیگران است؛ تمامی آرمان‌ها، عقاید،

ارزش‌ها، هنجارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فرد از آن نشأت می‌گیرد و پایهٔ داوری فرد دربارهٔ جامعه‌اش است. نظام شخصیتی تعیین می‌کند که فرد از لحاظ تمایلات و ویژگی‌هایی که دارد به کدام گروه یا طبقهٔ اجتماعی تعلق و گرایش دارد و از کدام گروه‌ها یا طبقات متمایز است. نظام شخصیتی به طور عمده شامل عناصر و ابعاد ارزشی، هنجاری، اقتصادی و سیاسی است که همان‌گونه که گفته شد از برآیند دو فرآیند همسان‌سازی و اجتماعی شدن در افراد جامعه شکل گرفته و نهادینه شده است. مفهوم نظام شخصیتی با بیست و پنج شاخص در قالب دو نوع نظام شخصیتی (بارور و نابارور) در ابعاد ارزشی، هنجاری، اقتصادی و سیاسی عملیاتی شده است. در این پژوهش از فن پرسش‌نامه همراه با مصاحبه (پرسش‌نامهٔ ساختار یافته) به منظور سنجش و اندازه‌گیری نظام شخصیتی و گردآوری اطلاعات استفاده شده که این پرسش‌نامه در پایان مقاله ضمیمه شده است.

با توجه به این که دو نوع نظام شخصیتی نابارور و بارور از یکدیگر تفکیک می‌گردد این تقسیم‌بندی در مورد هر یک از ابعاد به صورت شاخص‌های هر بعد به شکل متقابل و دو سویه به صورت ذیل به کار می‌رود.

#### بعد هنجاری نظام شخصیتی نابارور در مقابل بارور

- ۱- گرایش و سوگیری قوم و خویش‌مدارانه در مقابل پذیرش هویت‌های جمعی عام و وسیع؛
- ۲- گرایش به مجازات و تنبیهی و انتقام‌جویانه در مقابل گرایش به احکام و قواعد جبرانی و ترمیمی؛
- ۳- اعتقاد و سوگیری به معیارهای محول در مقابل گرایش به معیارهای محقق و اکتسابی در خصوص جنسیت؛
- ۴- اعتقاد و سوگیری به معیارهای محول در مقابل گرایش به معیارهای محقق و اکتسابی در خصوص سن؛
- ۵- سازش‌پذیری و هم‌رنگی در مقابل عدم هم‌رنگی و فعال و مستقل عمل کردن در جامعه؛
- ۶- گرایش به دو رنگی و عدم صداقت در برابر خود و دیگران در مقابل گرایش به یک‌رنگی و صداقت در برابر خود و دیگران؛
- ۷- گرایش به تحمیل پوشش خاص برای افراد در مقابل اعتقاد به خصوصی و شخصی دانستن نوع پوشش افراد.

#### بعد ارزشی نظام شخصیتی نابارور در مقابل بارور

- ۱- گرایش به خاص‌گرایی و جزم‌اندیشی در مقابل گرایش به عام‌گرایی و فراخ‌اندیشی؛
- ۲- گرایش به شانس و اقبال در مقابل گرایش به خردگرایی و استدلال‌گرایی در زندگی؛

۳- اعتقاد به خرافات و علم‌گریزی در مقابل گرایش به قانون‌مندی علمی و روابط بین پدیده‌ها (علم‌گرایی)؛

۴- سنت‌گرایی در ارتباط با خالق در مقابل پذیرش رابطه‌نو به نو شونده و پویا بین خالق و مخلوق.

الف) قشری‌نگری در مقابل قشری‌زدایی؛

ب) قدرگرایی در مقابل توانایی انسان در تعیین سرنوشت خود؛

ج) دین‌گرایی واسطه‌مند در مقابل اعتقاد و گرایش به رابطه‌بی‌واسطه با پروردگار؛

بعد اقتصادی نظام شخصیتی نابارور در مقابل بارور

۱- انفعال‌گرایی (قدرگرایی) اقتصادی در مقابل فعال‌گرایی و میل به تلاش و کوشش؛

۲- مبادله‌گرایی و فکر بازاری در مقابل نفی مبادله‌گرایی؛

۳- اعتقاد و گرایش به منافع شخصی (پول‌مداری) در مقابل گرایش به منافع جمعی و جامعه‌ی (نفی پول‌مداری)؛

۴- عدم گرایش به عدالت توزیعی (نفی انصاف‌طلبی) در مقابل گرایش به عدالت توزیعی (انصاف‌طلبی)؛

۵- گرایش به توجیه شرعی جهت ثروت و دارایی در مقابل قضاوت وجدانی - انسانی در داشتن ثروت و دارایی؛

۶- گرایش و اعتقاد به جاودانگی نابرابری‌های اقتصادی در مقابل گرایش و اعتقاد به قابل تغییر دانستن نابرابری‌های اقتصادی (مساوات‌طلبی اقتصادی)؛

بعد سیاسی نظام شخصیتی نابارور در مقابل بارور

۱- پذیرش قیومیت، بندگی و سلطه‌پذیری در مقابل آزادی، قیسم‌زدایی و نفسی سلطه‌پذیری؛

۲- گرایش به محافظه‌کاری و سکوت در مقابل سوگیری رادیکال و آشکار و صریح در امور سیاسی؛

۳- انزواگرایی سیاسی در مقابل مشارکت‌جویی و احساس مسئولیت در قبال مسائل سیاسی؛

۴- اعتقاد به اثر تعیین‌کننده عوامل خارجی و برون‌زا در تعیین سرنوشت سیاسی کشور (توطئه‌گرایی) در مقابل اعتقاد به اثر تعیین‌کننده نیروهای داخلی و فرآیندهای درون‌زا در سرنوشت سیاسی کشور؛

۵- گرایش به ابدی دانستن روابط بین حاکم و محکوم در مقابل اعتقاد و گرایش به امکان تغییر و دگرگونی در وضعیت نابرابری‌های سیاسی؛

۶- عدم اعتقاد به جامعه‌مدنی (عدم اعتقاد به رشد و گسترش گروه‌ها و احزاب سیاسی)

در مقابل اعتقاد به جامعه مدنی و گرایش به تشکیل و رشد و گسترش گروه‌ها و احزاب سیاسی در کشور

### تعاریف قشرهای اجتماعی

به منظور تعریف اقشار اجتماعی مورد بررسی ملاک شغل مینا قرار گرفت.

#### - قشر کارگر

به افرادی اطلاق می‌شود که به لحاظ شغلی برای کارفرما کار می‌کنند و در قبال کاری که انجام می‌دهند مزد دریافت می‌کنند، تنها صاحب و مالک نیروی کارشان هستند و شکل و محتوای کارشان طوری است که نیاز به تعلیم و کسب مهارت چندانی ندارند به صورتی که نحوه انجام کارشان یدی و دستی بوده و فاقد جنبه‌های ابتکاری و اختیاری است. اینان یا به طور مستقیم یا غیرمستقیم با تولید سر و کار دارند و در فرآیند و خط تولید به نوعی شرکت می‌کنند مانند کارگاه و کارخانه و یا در اماکن کسب و کار غیرتولیدی در مشاغل خدماتی رده پایین مشغول به کار می‌باشند.

#### - قشر کارمند

اینان مزد و حقوق بگیران بخش دولتی، خصوصی و تعاونی بوده و برای واحدهای تولیدی و غیرتولیدی کار می‌کنند و به یقه سفیدان جامعه مشهورند. با این که کارشان جنبه اجرایی داشته اما با توجه به تخصص‌هایی که دارند تا حدودی در حیطه کاری از خود اختیار و آزادی عمل نشان می‌دهند. دانش فنی، مهارت و تخصص آن‌ها طوری است که آموزش‌های خاصی را می‌طلبد. مشاغلی که آن‌ها به تصدی آن‌ها مشغولند در مقایسه با مشاغل کارگری کمیاب‌تر و جنبه تخصصی دارد.

#### - قشر کاسب

خصلت اصلی مشاغل آن‌ها جنبه آزاد دارد که به شغل آزاد مشهور است. اینان یا مالک محل کسب و یا متصرف آن می‌باشند و به سرمایه‌گذاری و فعالیت در خرید و فروش کالا می‌پردازند، بدین صورت که می‌توان آن‌ها را توزیع‌کننده کالا در سطح خرد به حساب آورد. به بیان دیگر خرده فروش هستند. این افراد یا کارکن مستقل بوده و کسی را در استخدام خود ندارند یا اینکه در محل کسب خود به عنوان کارفرما یکی دو نفر را در استخدام داشته و به آن‌ها مزد پرداخت می‌کنند.

## فن‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

به منظور سنجش نوع نظام شخصیتی اقشار مورد بررسی و گردآوری اطلاعات در منطقه ده شهری تهران، عملیات میدانی (پیمایشی) با استفاده از فن پرسش‌نامه همراه با مصاحبه (پرسش‌نامه ساختار یافته) در دستور کار قرار گرفت.

از لحاظ برهه و زمان تحقیق مطالعه از نوع مقطعی یا عرضی می‌باشد چون پدیده مورد مطالعه را در زمان مشخص بررسی می‌کند.

از نظر سطح تحقیق از یک‌سو به دلیل وسعت و گستره افراد مورد مطالعه در باب موضوع، مطالعه از نوع بیرونی یا پنهانگر است چرا که می‌خواهد وضعیت نظام‌های شخصیتی را در سطح منطقه ده تهران و با یاری جستن از روش نمونه‌گیری و نمونه آماری بررسی نماید. از سوی دیگر با عنایت به اینکه موضوع تحقیق نظام‌های شخصیتی است به گونه‌ای که به دنبال شناخت لایه‌های زیرین شخصیت و رفتار جمعی است که این به نوبه خود ماهیت و محتوای مطالعه را کیفی و درون‌نگر می‌نماید.

از لحاظ بعد تحقیق چون پژوهش در نظر دارد واحدهای متعددی را با برآورد حجم نمونه و روش نمونه‌گیری خاص خود زیر پوشش مطالعاتی قرار دهد می‌توان نتیجه گرفت مطالعه از نوع انبوه است؛ از طرف دیگر به دلیل این‌که تحقیق در نظر دارد موضوع خود را در بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی در یک میدان مطالعاتی معین (منطقه ده تهران) بررسی نماید بنابراین مطالعه ماهیتی موردی دارد.

از نظر دید و نگرش پژوهش به موضوع مورد مطالعه‌اش، مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی است.

در پژوهش از فن‌های توصیفی و تحلیلی شامل محاسبه درصدها، جداول توزیع فراوانی، نمودارهای میله‌ای، جداول دو متغیره، آزمون  $X^2$  و ضریب توافق چوپروف (PC) استفاده شده است.

## جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل زنان و مردان ۲۰ الی ۶۵ ساله قشرهای اجتماعی کارمند، کارگر و کاسب در منطقه ده تهران بوده است. واحدهای آماری خانوارهای مستقر در بلوک‌های مسکونی منطقه ده تهران است که در زمان اجرای عملیات میدانی در آن منطقه سکونت داشته‌اند.

با توجه به این‌که منطقه مورد تحقیق دارای وسعت و جمعیت زیاد است و با عنایت به این‌که فهرست اسامی اعضای جامعه آماری قابل دسترسی نیست از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و جداول اعداد تصادفی جهت انتخاب نمونه استفاده شد که با بهره‌گیری از فرمول‌های برآورد حجم نمونه از هر قشر اجتماعی ۱۱۰ نفر و در مجموع ۳۰۰ نفر گزینش شدند که به نسبت

مساوی بین زن و مردان هر قشر انتخاب صورت گرفت. مراحل اجرای نمونه‌گیری خوشه‌ای و تعیین حجم نمونه به پیوست ضمیمه شده است.

### نتایج پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها

اطلاعات استخراج شده نشان می‌دهد که در قشر کارمند، کارگر و کاسب به ترتیب ۹۰٪، ۹۷٪ و ۹۲٪ نظام شخصیتی سوگیری نابارور دارد (نمودار شماره ۱) (جداول شماره ۱).

محاسبه  $X^2$  و ضریب توافق (PC) نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین قشرهای اجتماعی مورد مطالعه از لحاظ نظام شخصیتی وجود نداشته و ارتباطی بین نوع نظام شخصیتی افراد مورد بررسی با نوع قشر آن‌ها وجود ندارد. محاسبه  $X^2$  در خصوص هر یک از ابعاد ارزشی، هنجاری، اقتصادی و سیاسی نظام شخصیتی قشرهای مذکور نیز نشان‌دهنده عدم تفاوت معنادار بین آن‌ها می‌باشد.

اطلاعات نشان می‌دهد که ۹۴٪/۷ زنان و ۹۱٪/۳ مردان واجد سوگیری شخصیتی نابارور هستند (جداول شماره ۲) (نمودار شماره ۲).

همچنین محاسبه کا اسکوترها ( $X^2$ ها) بیانگر عدم تفاوت معنادار هم در کل نظام شخصیتی و هم در هر یک از ابعاد هنجاری، ارزشی، اقتصادی و سیاسی در بین زنان و مردان است. به علاوه مقدار ناچیز ضریب توافق (PC) نیز عدم ارتباط بین نوع نظام شخصیتی افراد مورد بررسی با نوع جنسیت را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۲۷۹ نفر (۹۳٪) از جامعه نمونه سوگیری شخصیتی نابارور و تنها ۲۱ نفر (۷٪) سوگیری شخصیتی بارور دارند که توزیع آن در گروه‌های شش گانه به قرار زیر است (نمودار شماره ۳) (جداول شماره ۳):

- زن کاسب ۴۶ نفر (۹۲٪) نابارور و ۴ نفر (۸٪) بارور، مرد کاسب نیز ۴۶ نفر (۹۲٪) نابارور و ۴ نفر (۸٪) بارور می‌باشند.
- زن کارمند ۴۷ نفر (۹۴٪) نابارور و ۳ نفر (۶٪) بارور، مرد کارمند ۴۳ نفر (۸۶٪) نابارور و ۷ نفر (۱۴٪) بارور می‌باشند.
- زن کارگر ۴۹ نفر (۹۸٪) نابارور و تنها ۱ نفر (۲٪) بارور، مرد کارگر ۴۸ نفر (۹۶٪) نابارور و ۲ نفر (۴٪) بارور می‌باشند.

محاسبه کا اسکوترها نشان می‌دهد که در کل نظام شخصیتی بین زنان و مردان هر یک از ابعاد اجتماعی کارمند، کارگر و کاسب تفاوت معنادار وجود نداشته و همچنین ناچیز بودن ضرایب توافق (PC) نیز مؤید عدم ارتباط بین نوع نظام شخصیتی هر یک از اقشار با نوع جنسیت است به علاوه محاسبه کا اسکوترها ( $X^2$ ) در هر یک از ابعاد هنجاری، ارزشی، اقتصادی و سیاسی و همچنین کل نظام شخصیتی بیانگر عدم تفاوت معنادار در گروه‌های اجتماعی شش گانه است.

### بیان نتایج توصیف داده‌ها

با عنایت به تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج زیر بیان می‌گردد:

- داده‌ها نشان می‌دهد که در تمامی گروه‌های اجتماعی مورد بررسی (زنان و مردان، قشرهای اجتماعی سه گانه و گروه‌های اجتماعی شش گانه) هم در کل و تمامیت نظام شخصیتی و هم در هر یک از ابعاد آن عمدتاً جهت‌گیری شخصیتی سمت و سویی نابارور دارد که این سوگیری‌ها نابارور با درصدهای کمابیش یکسان و مشابه بین این گروه‌ها توزیع شده به طوری که می‌توان قضاوت کرد که در گروه‌ها و اقشار اجتماعی مورد پژوهش سوگیری‌های شخصیتی عمدتاً ویژگی‌ها و خصوصیات نابارور زیر را دارا است:

- در بعد هنجاری: گرایش و سوگیری قوم و خویش‌مدارانه دارد و از پذیرش هویت‌های جمعی عام و وسیع‌گریزان است، جهت‌تربیت و یا اصلاح‌انسان‌ها مجازات‌تنبیهی و انتقام‌جویانه را مد نظر قرار می‌دهد و در پی قواعد جبرانی و ترمیمی نیست، به نابرابری‌های جنسی مردسالارانه و پدرسالارانه گرایش داشته و در پی ایجاد معیارهای محقق در خصوص جنس و سن نیست، سازش‌پذیر بوده و هم‌رنگی با هنجارهای عادت‌ی، قالبی و کلیشه‌ای را مورد پذیرش قرار می‌دهد.

- در بعد ارزشی: گرایش به خاص‌گرایی و جزم‌اندیشی داشته و تفاوت‌پذیری در اعتقادات و باورها را نفی می‌کند، اعتقاد به شانس و اقبال داشته و از خردگرایی و استدلال‌پذیری گریزان است، دچار تقدیرگرایی بوده و قشری‌نگری در آن مشهود است.

- در بعد اقتصادی: گرایش به انفعال‌گرایی داشته و چندان اهل کار و کوشش نیست، فکر بازاری و مبادله‌گرایی دارد و در پی محاسبه سود و زیان مادی است، پول‌مدار بوده و منافع شخصی برایش با اهمیت‌تر از منافع جمعی است. به انصاف‌طلبی و عدالت‌توزیعی اعتقادی ندارد، نابرابری‌های اقتصادی را امری جاودانه و غیرقابل تغییر دانسته و اندیشه مساوات‌طلب را نفی می‌کند.

- در بعد سیاسی: گرایش به سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی داشته و آزادگی را نفی می‌کند، انزواگرا، محافظه‌کار بوده و از مشارکت‌جویی پرهیز می‌کند و چندان اعتقادی به تعیین سرنوشت ندارند ریشه مسائل اجتماعی - سیاسی را در عامل خارجی صرف جستجو می‌کند و در این خصوص به توطئه‌گرایی دارد، نابرابری‌ها را در امور سیاسی جاودانه و ابدی دانسته و نگرش بدبینانه نسبت به بهبودی اوضاع دارد، به علاوه به جامعه مدنی و عناصر آن اعتقادی ندارد.

### بیان نتایج تبیین و تفسیر داده‌ها

با در نظر گرفتن یافته‌های تحقیق مبنی بر فقدان تفاوت معنادار در کل نظام شخصیتی و ابعاد آن در گروه‌های اجتماعی مورد بررسی و با توجه به این‌که در تمامی گروه‌های اجتماعی



مورد مطالعه (زنان و مردان، قشرهای اجتماعی سه گانه و گروه‌های اجتماعی شش گانه) هم در کل نظام شخصیتی و هم در ابعاد آن، سوگیری شخصیتی عمدتاً نابارور و با توزیع کمابیش یکسان و مشابه می‌باشد و در نهایت با توجه به عدم تأیید و رد فرضیه‌های پژوهش می‌توان استنتاج کرد که تحقیق حاضر در فرآیند شناخت به «پدیده شگرف»<sup>۷</sup> در خصوص موضوع مورد بررسی دست یافته است. بدین معنی که نظام تفکیک قشربندی مبتنی بر ملاک تفکیک مشاغل نتوانست تبیین‌کننده سوگیری‌های شخصیتی عمدتاً نابارور و مشابه بین اقشار و گروه‌های مورد نظر باشد.

این پژوهش به دلیل نارسایی نظام تفکیک قشربندی براساس ملاک تفکیک مشاغل و به منظور تبیین و تفسیر داده‌های شگرف، در بخشی از پایگاه نظری خود تغییراتی ایجاد نمود؛ به طوری که به جای نظام تفکیک قشربندی براساس تفکیک شغلی، نظام طبقاتی - قشربندی را با دو طبقه فرادست (داخل بلوک قدرت) و فرودست (خارج بلوک قدرت) و اقشار متعلق به آن‌ها طراحی نمود و به دنبال آن با عنایت به مشاهدات و مصاحبه‌های میدانی و با توجه به ملاک‌های ثروت، قدرت و منزلت، جایگاه اقشار اجتماعی کارمند، کارگر و کاسب را در نظام طبقاتی - قشربندی ایران تعیین نمود بدین صورت که مشخص گردید اقشار اجتماعی فوق جزء اقشار اصلی طبقه فرودست جامعه شهری هستند.

طبقه فرادست شامل اجزاء و عناصر داخل بلوک قدرت

قشرهای اصلی شامل:

- روحانیت؛

- بوروکراسی دولتی، فن سالاران و مدیران؛

- بازاریان و دلال پیشگان عمده تجاری؛

- نظامیان و بلند پایگان نیروهای نظامی؛

قشرهای فرعی شامل:

- نویسندگان، هنرمندان، شاعران و روشنفکران نظام یافته؛

- سرمایه‌داران صنعتی؛

- بورس بازان، بانک‌داران و سهام‌داران (سرمایه‌داران مالی)؛

- زمین‌داران و ملاکان؛

- قشرهای بیرونی؛

- قشرهای حاشیه‌ای؛

طبقه فرودست شامل اجزاء و عناصر خارج بلوک قدرت

قشرهای اصلی شامل:

- کارگران (شهری و روستایی)؛

- کارمندان (شهری و روستایی)؛
- کسبه خرده پا (شهری و روستایی)؛
- پیشه‌وران و صنعت‌گران جزء (شهری و روستایی)؛
- دهقانان و زارعین؛
- بقایای مردم ایلاتی (دامپروران)؛
- قشرهای فرعی شامل:
- نویسندگان، هنرمندان و شاعران مستقل؛
- اندیش‌مندان و روشن‌فکران پیشرو؛
- قشرهای بیرونی؛
- قشرهای حاشیه‌ای (فقرا و تنگ‌دستان، ناداران و گدایان)؛

«طرح سیستم تفکیک طبقاتی - قشربندی در جامعه ایران» این که چرا و بنابر کدام مقدمات مؤثر اقشار اجتماعی مورد بررسی که از اقشار اصلی طبقه فرودست شهری می‌باشند عمدتاً و به صورت غالب و مسلط سوگیری شخصیتی نابارور و همگن از خود نشان می‌دهند و یا این که کدام مقدمه اصلی در این خصوص نقش تعیین‌کننده دارد، در پرتو رابطه جدلی - تقابلی نظام‌های شخصیتی با بستر، موقعیت اجتماعی و سرشت معرفت‌شناختی این جامعه قابل تبیین و توضیح است.

نگاهی به سیر تاریخی جوامع شرقی به خصوص ایران نشان می‌دهد این جوامع بر سپهر و سامان اجتماعی نظام استبدادی آسیایی و اقتدار سنتی استوار بوده به طوری که در متن چنین ساخت و سازمان اجتماعی، اخلاق پدر سالارانه به عنوان امری مقدس و تابویی، مبنای مشروعیت روانی - اجتماعی این نظام را فراهم آورده است که در آن هر نوع ستم و بیدادی که به طبقه فرودست از سوی طبقه فرادست روا می‌شود، مشروع، مقدر و حاکی از الطاف پدران و خیرخواهانه پدر فرمانروا (شاه) قلمداد می‌گردد (تنهایی، ۱۳۷۳: ۱۰۸-۱۰۹؛ سیف‌اللهی، بی‌تا: ۱۷؛ خنجی، ۱۳۷۳: ۲۸، ۱۳۷۴: ۵۸ و: ۱۲۰؛ بهنام، ۱۳۵۴: ۹ و ۱۰؛ آرون، ۱۳۷۰: ۳۴۵-۳۴۹).

مهم‌ترین ویژگی‌های نظام استبداد آسیایی را می‌توان چنین برشمرد: مالکیت متمرکز دولتی بر ثروت جامعه، فقدان قانون، خود کامگی فرمانروا، فنا پذیرفتن کامل فرد در جمع، فقدان و ناچیزی نهادهای مردمی، بی‌قدرتی تقریباً مطلق توده‌های فرودست، نبود زندگی انجمنی خارج از حیطه خانواده و مذهب، تسلط خانواده بر عرصه‌های مختلف زندگی، سرمایه‌داری تجاری و تجاری شدن جامعه، ناثباتی ژئوپولیتیک و دیالکتیک سازندگی و ویران‌گری (گردگشتی رابطه سازندگی و غارت‌گری)، عدم امکان انباشت فرهنگی در اثر هجوم مداوم اقوام و ایلات به یکدیگر، پایداری و ثبات شیوه تولید و نظام سیاسی ضمن تغییر مداوم حکومت‌ها با حفظ رابطه فرادست و فرودست، عدم تحرک یا ایستایی تاریخی (پیران، ۱۳۷۷: ۴۰-۴۱؛ یوسفیان، بی‌تا: ۱۴).

بنابراین ویژگی‌ها، جامعه ایران حاصل فرآیند تاریخی - دیالکتیکی ذهن و عین است

به این ترتیب که مردمان فرودست انبوه بیش از ۲۵۰۰ سال رابطه مالک و مملوک، فرادست و فرودست، فرمانروا و فرمان‌گزار را به صورت رابطه‌ای تفهمی نهادینه کرده بودند به عبارتی مردم و اقشار فرودست براساس فهم، ارزیابی و تفسیر مشترکی که از رابطه فوق پیدا کرده آن را درونی نموده و در برابر آن سر به اطاعت و تسلیم آن گذاشتند. پس سالیان سال به صورت کنش ماندگار نظام استبداد شرقی مشروعیت خود را از فهم مشترک و همگانی حفظ نموده است. یک چنین ساختار و کارکردی حاصل کنش‌های منفرد و پراکنده افراد نیست بلکه برآیند واکنش‌های گردگشتی پیوسته و ماندگار مردمان این سرزمین است که در پی تفسیر و تعاریف مشترک به گران‌جانی خود ادامه داده و ساختی مسلط، منظم، پایدار و تکراری پیدا کرده است. بنابراین نظام اجتماعی استبداد شرقی و نظام شخصیتی نابارور استبداد شرقی دو پدیده از هم جدا نیستند که یکی علت وجودی دیگری باشد بلکه بین این دو رابطه متقابل برقرار است؛ بدین معنی که این دو پدیده در تقابل یکدیگر خلق شده‌اند و با تنیدگی و هم فراخوانی یکدیگر نظم و پایداری یافته‌اند و در محمل و بستر تاریخی به حیات خود ادامه می‌دهند.

با عنایت به تحلیل نظری فوق و از آنجا که نظام شخصیتی اقشار فرودست مورد بررسی در این تحقیق در یک چنین فرآیند تاریخی شکل گرفته و وارد فرایند تکرار شونده‌گی تفسیر و کنش ماندگی گردیده است می‌توان نتیجه گرفت که از یک سو نظام شخصیتی نابارور اقشار فرودست، ریشه در نظام اجتماعی استبداد شرقی داشته و از سوی دیگر ریشه در نظام شخصیتی نابارور استبداد تاریخی مردمان این سرزمین دارد.

از طرف دیگر با توجه به تبیین نظری فوق می‌توان استنتاج کرد که سیستم تفکیک طبقاتی - قشر بندی در جامعه ایران حاصل یک فرآیند تاریخی و در قالب نظام اجتماعی - اقتصادی استبداد شرقی و در پرتو تفسیر مشترک و کنش جمعی و پیوسته مردمان این سرزمین، شکل گرفته تکرار پذیر شده و با ساختی نسبتاً ثابت و منظم قوام یافته است به طوری که از یک سو نظام شخصیتی استبدادی نابارور، نظام اجتماعی طبقاتی - قشر بندی استبدادی را باز تولید می‌کند و از سوی دیگر نظام اجتماعی طبقاتی - قشر بندی استبدادی در تداوم و استمرار نظام شخصیتی استبدادی نابارور مؤثر است و آن را باز تولید می‌کند. در چنین فرآیند تقابل تکمیلی از یک سو اقشار اصلی طبقه فرودست و نظام شخصیتی آن‌ها در فرآیند تفسیر و کنش پیوسته گردگشتی (ماندگار) از سوگیری‌های شخصیتی نابارور خود تبعیت نموده و از میان me های بسیار محدود و بسته استبدادی، خود را مقید و مکلف به آن‌ها می‌نمایند و بدین ترتیب نظام اجتماعی قشر بندی - طبقاتی استبدادی را باز تولید می‌کنند. از سوی دیگر نظام اجتماعی قشر بندی - طبقاتی استبدادی با استفاده از ابزارهای ساختار یافته ایدئولوژیک و ارزشی خود موجبات بیگانگی در اقشار فرودست را فراهم آورده و در نهایت نظام شخصیتی نابارور مستبد را در این اقشار باز تولید می‌نماید. این نظام شخصیتی در فرآیند درون فکنی (چیز وارگی) و سپس برون فکنی و با تفسیر و کنش پیوسته ماندگار مجدداً موجبات استمرار نظام اجتماعی استبدادی و سیستم طبقاتی - قشر بندی آن را فراهم آورده و آن را باز تولید می‌کند (نمودار

شماره ۴).

## نتیجه‌گیری

در تحلیل نهایی پژوهش حاضر به این نتیجه رسید که اقشار اجتماعی مورد بررسی که از طبقه فرودست جامعه هستند با تأثیرپذیری از نظام اجتماعی و نظام شخصیتی استبدادی تاریخی و هم‌چنین متأثر از سیستم طبقاتی - قشربندی نظام استبدادی و با نقش تعیین‌کننده تفسیر و کنش پیوسته و جمعی ماندگار، شخصیت نابارور را در خود و در ساختار اجتماعی باز تولید می‌کنند؛ به طوری که هم ساختار اجتماعی استبدادی را باز تولید کرده و هم ساختار استبدادی ذهن را در خود تداوم می‌دهند. با این حال انسان با این‌که درگیر در شرایط است اما می‌تواند شرطی شده به وسیله شرایط نباشد و با عنایت به این‌که انسان قادر است و می‌تواند به مدد قوه خردورزی و قدرت انتخاب خود و با تفسیر و کنش مشترک تازگی (کنش پیوسته عام و نوین) از جبرها، عوامل و قطعیت‌های درونی و بیرونی گذر کند؛ بنابراین هم می‌تواند بر واقعیت‌های اجتماعی صلب و بسته چیره شود و هم می‌تواند بر سوگیری شخصیتی نابارور خود فایز آمده به انسانیت اصیل، حقیقی و آزادمنشانه دست یابد.

## منابع

## الف - کتاب‌ها

- آرون، ریمون، ۱۳۷۰، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- آریان‌پور، امیرحسین، ۱۳۵۷، زمینه جامعه‌شناسی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی چاپ یازدهم.
- اتکینسون، ریچارد. س. وارنست. ر. هیلگارد، ۱۳۶۹، زمینه روان‌شناسی، ترجمه تقی براهنی، تهران: رشد.
- ادیبی، حسین و عبدالمعبود انصاری، ۱۳۵۸، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: جامعه.
- اسکینر، بی‌اف، ۱۳۷۰. فراسوی آزادی و شأن، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران: رشد.
- ای پروین، لارنس، ۱۳۷۳. روان‌شناسی شخصیت، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: رسا.
- تنهایی، ح.ا، ۱۳۷۳. تاریخ اندیشه و نظریات جامعه‌شناسی، یزد: بهاباد، جلد اول.
- تنهایی، ح.ا، ۱۳۷۴. درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد: مرنديز، چاپ دوم.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۰. نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.

- ریترز جورج، ۱۳۷۴. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.

- سیاسی، علی اکبر، ۱۳۷۴. نظریه‌های شخصیت، تهران: دانشگاه تهران.

- شولتز دو آن، ۱۳۶۲. روان‌شناسی کمال، ترجمه کیتی خوشدل، تهران: نشر نو، چاپ

اول.

- عظیمی، سیروس، ۱۳۵۶. اصول روان‌شناسی عمومی، تهران: دهخدا، چاپ هفتم.

- فرانکل، ویکتور، ۱۳۷۴. انسان در جستجوی معنی، ترجمه نهضت صالحیان، مهین

میلائی، تهران: درسا، چاپ هشتم.

- فروم، اریک، ۱۳۶۰. انسان برای خویشتن، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: بهجت، چاپ

اول.

- فروم، اریک، ۱۳۶۶. هنر عشق ورزیدن، ترجمه سعیدالله علیزاده، تهران: گلشایی، چاپ

پنجم.

- کریمی، یوسف، ۱۳۷۳. روان‌شناسی اجتماعی، تهران: بعثت.

- کوزر، لوئیس، ۱۳۷۰. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی،

تهران: انتشارات علمی، چاپ سوم.

- لاروک، پی‌یر، ۱۳۶۴. طبقات اجتماعی، ترجمه ایرج علی‌آبادی، تهران: فروردین، چاپ

جدید.

- مزلو، ابراهام اچ، ۱۳۷۱. به سوی روان‌شناسی بودن، ترجمه احمد رضوانی، تهران:

آستان قدس، چاپ اول.

- نصری، عبدالله، ۱۳۷۱. سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران: دانشگاه علامه

طباطبایی.

## ب - فصلنامه و مجلات

- خنجی، محمد، ۱۳۷۳. ارزش نظریه وجه تولید آسیایی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی،

شماره ۸۹-۹۰.

- خنجی، محمد، ۱۳۷۴. ارزش نظریه وجه تولید آسیایی و تاریخچه آن، اطلاعات

سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۱-۹۲.

- خنجی، محمد، ۱۳۷۴. ارزش نظریه وجه تولید آسیایی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی،

شماره ۱۰۱-۱۰۲.

- رهین، عظیم، بی‌تا. موانع توسعه اجتماعی در ایران، در میزگرد با جامعه سالم، جامعه


سالم، شماره ۵.

- سیف‌اللهی، سیف‌الله، بی‌تا. سقوط در چاه ویل، معیار شماره ۱، سال اول.

- عبداللهی، محمد، بی‌تا. بحران هویت و هویت جمعی ...، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، دفتر اول.
- عبداللهی، محمد، ۱۳۷۲. جایگاه آموزش و پرورش در فرآیند توسعه ملی ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳ و ۴.
- نظامی، اسعد، ۱۳۵۳. تالکوت پارسونز تئوری ساز درمان ناپذیر، نامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۲.
- یوسفیان، جواد، بی‌تا. ذهن لاهوتی و تغییر اجتماعی، رونق، شماره ۶، سال اول.

ج - مجموعه‌ها

- بهنام، جمشید، ۱۳۵۴. درباره خانواده و فرهنگ در ایران، در سخنرانی‌های دومین جلسات سخنرانی درباره خانواده و فرهنگ در ایران، تهران: اداره کل انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- پیران، پرویز، ۱۳۷۷. سه سطح واقعه، در انتخاب نو، تهران: طرح نو.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### پرسشنامه

شهروند گرامی

با سلام، پرسشنامه حاضر به منظور پروژه تحقیقی تهیه شده است، خواهشمند است بعد از اندیشه و تأمل لازم پاسخ‌هایی را که درست به نظرتان می‌رسد به مصاحبه‌کننده ارائه دهید. قبلاً از همکاری شما سپاسگزاری می‌شود.

- ۱- تعهد اصلی انسان در درجه اول باید نسبت به اقوام و خویشان باشد.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۲- چقدر مایلید که همکار و یا شریکتان در کار هم قومتان باشد (چقدر مایلید که همسایه‌تان هم قومتان باشد).  
 خیلی زیاد  نسبتاً زیاد  نسبتاً کم  خیلی کم
- ۳- چقدر موافقت فرزندتان با هم قوم ازدواج کند.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۴- برای معتادان به مواد مخدر می‌بایست مجازات‌هایی از ۱۰ سال زندان تا اعدام در نظر گرفت.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۵- بهتر است قانونی وضع گردد که اگر والدین فرزندان خود را تنبیه بدنی کردند به پلیس معرفی و جریمه شوند.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۶- بعضی از مشاغل مخصوص مردان است.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۷- به صلاح است در وقت ازدواج مرد چند سال از زن بزرگ‌تر باشد.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۸- بهتر است نام خانوادگی فرزند نام خانوادگی مادرش باشد.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۹- برای ازدواج کسب تکلیف از بزرگ‌ترها الزامی است.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۱۰- فرزند خُلف از پدر و مادرش اطاعت می‌کند.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۱۱- گوش دادن به تصایح والدین ضروری و واجب است.  
 کاملاً موافقم  موافقم  مخالفم  کاملاً مخالفم
- ۱۲- زمانه با تو نسازد تو با زمان بساز

- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۱۳- خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۱۴- گاهی باید نان را به نرخ روز خورد.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۱۵- با خانم‌هایی که مایلند در شهر و اماکن عمومی حجاب به سر نداشته باشند تا چه حد موافقت می‌کنی.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۱۶- خانم‌ها می‌بایست در مقابل مردان غریبه حجاب داشته باشند.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۱۷- چقدر حاضرید دخترتان با غیر مذهب‌تان ازدواج کند.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۱۸- غذا خوردن و آشامیدن با یک بهایی درست نیست.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۱۹- چقدر مایلید همکار یا شریکتان در شغل هم مذهب‌تان باشد (چقدر مایلید همسایه شما هم مذهب‌تان باشد).
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۰- اسلام کامل‌ترین دین دنیا است و پس از آن هیچ دین دیگری نخواهد آمد.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۱- اسلام برترین دین است و از آن بهتر و بیشتر از ادیان دیگر می‌توان چیز آموخت.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۲- بعضی از مردم خوش شانس هستند و بعضی دیگر بد شانس‌اند.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۳- بهتر است برای انجام بعضی از کارهای مهم که تصمیم‌گیری در آن مشکل است استخاره بگیریم.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۴- صدقه رفع بلاست.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۵- دعا و نیایش انسان را از بلا به دور می‌کند.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۶- آخر زمان نزدیک است و نشانه آن افزایش فساد و کفر است.



- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۷- اگر برای شما موقعیتی پیش آید مایلید گاهی به کتاب‌های فالنامه یا تعبیر خواب یا طالع‌بینی مراجعه کنید.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۸- احکام شرعی دین ابدی و همیشه لازم الاجرا است.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۲۹- در عبادت خدا می‌بایست طبق ضوابط شرعی عمل کرد.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۰- سرنوشت هرکس به خواست خداوند بستگی دارد.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۱- هر فردی در انجام فرایض مذهبی خود می‌بایست مرجع تقلید داشته باشد.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۲- در عبادت خداوند احکام بزرگان دین حجت است.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۳- روزی هرکس به قدر قسمت اوست.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۴- با این که مهریه خوشبختی نمی‌آورد ولی باعث دوام زندگی است.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۵- در این زمانه کسی موفق‌تر است که پول بیش‌تری دارد.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۶- آن‌هایی که می‌توانند با زرنگی (پول چایی و کار چاق کنی) پول در آورند از ما موفق‌ترند.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۷- اگر مالکیت باشد انسان بهتر و با انگیزه‌تر کار می‌کند.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۸- با این جمله تا حد موافقید: این منصفانه است که از طریق ارث صاحب دارائی شد.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۳۹- پرداخت خمس و زکات مال آدم را حلال می‌کند.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۴۰- نابرابری و بی‌عدالتی همیشه بوده و خواهد بود.
- کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □  
 ۴۱- در این ممکنات تا زور نباشد کارها درست نمی‌شود (ما مردم) تا بالای سرمان زور نباشد

درست نمی‌شویم).

- ۴۲- انسان عاقل کسی است که مقام بالاتر از او راضی و خشنود باشد.  
 کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □
- ۴۳- با این جمله تا چه در توافقت: «درست‌ترین این است که در مقابل حاکمان سکوت اختیار کنیم تا آسیبی به زندگی شخصی‌مان نرسد».  
 کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □
- ۴۴- بهترین کارها میانه‌روی است.  
 کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □
- ۴۵- در این زمان می‌بایست افکار و عقاید سیاسی خود را بروز نداد.  
 کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □
- ۴۶- دخالت در امور سیاسی دردسر آفرین است، بهتر است از آن دوری کرد.  
 کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □
- ۴۷- سلسله پهلوی را انگلیسی‌ها آوردند و آمریکایی‌ها بردند.  
 کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □
- ۴۸- با این جمله تا چه حد موافقت: «همیشه عده‌ای حاکم و بقیه محکوم خواهند بود».  
 کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □
- ۴۹- تشکیل گروه‌ها و احزاب در این مملکت نتیجه‌ای جز آشوب و هرج و مرج ندارد.  
 کاملاً موافقم □ موافقم □ مخالفم □ کاملاً مخالفم □
- جنس ..... سن ..... وضعیت تأهل ..... شغل .....  
 شغل سرپرست خانوار ..... میزان تحصیلات .....

### مراحل اجرای نمونه‌گیری خوشه‌ای و برآورد حجم نمونه

به منظور اجرای نمونه‌گیری خوشه‌ای، چارچوب نمونه‌گیری شامل فهرست حوزه‌ها و سپس فهرست بلوک‌ها در منطقه ۱۰ تهران می‌باشد که از طریق تهیه نقشه منطقه ۱۰ شهری تهران لیست‌برداری شد و مراحل ذیل به اجرا درآمد.

۱- در نقشه منطقه ۱۰ شهری تهران ۱۵ حوزه و ۹۶۶ بلوک وجود دارد که میانگین تعداد بلوک‌ها در هر حوزه ۶۴/۴ می‌باشد.

۲- تعداد ۴ حوزه از ۱۵ حوزه با استفاده از جدول اعداد تصادفی انتخاب شده و سپس جهت برآورد حجم نمونه (تعداد حوزه‌ها) به محاسبه میانگین (۶۳/۵)، واریانس (۱۷)، انحراف معیار (۴/۱۲) و فاصله اطمینان (۵/۸) نمونه پرداخته و به حجم نمونه برابر با ۳ در سطح ۹۹٪ اطمینان می‌رسیم. آن‌گاه از ۴ حوزه انتخابی ۳ حوزه را به عنوان نمونه و با روش تصادفی

برمی‌گزینیم.

۳- جهت برآورد حجم بلوک‌های نمونه به دو روش زیر عمل می‌کنیم:

الف- با توجه به این که تعداد کل بلوک‌ها در منطقه ده شهری تهران ۹۶۶ عدد و تعداد بلوک‌های موجود در سه حوزه انتخابی ۱۹۶ می‌باشد، فاصله بین بلوک‌های نمونه ۵ می‌گردد و چون حاصل تقسیم برابر با ۳۹ است بنابراین تعداد بلوک‌هایی که می‌بایست در سه حوزه انتخابی برگزیده شود برابر ۳۹ تعیین می‌شود

ب- با توجه به میانگین تعداد بلوک‌ها در سه حوزه (۶۳/۳)، واریانس (۴/۱۴) و فاصله اطمینان (۱/۳۴) محاسبه شد به حجم بلوک‌های نمونه برابر با ۳۹ در سطح ۹۵ درصد اطمینان می‌رسیم.

۴- با در نظر گرفتن این که تعداد بلوک‌ها در سه حوزه انتخابی ۳۹ بلوک برآورد گردید بنابراین در هر حوزه ۱۳ بلوک به روش تصادفی ساده و با استفاده از جدول اعداد تصادفی انتخاب شد.

۵- برای تعیین مقدار حجم نمونه جامعه آماری (زنان و مردان سه قشر اجتماعی) در منطقه ده به ترتیب زیر عمل می‌گردد:

الف- برای تعیین حجم مردان سه قشر مزبور ابتدا جدول شماره ۲۵ (شاغلان برحسب جنس گروه‌های اصلی شغل و وضع شغلی منطقه ۱۰) از مرکز آمار ایران تهیه گردید که با استفاده از آن به ترتیب نسبت کارمندان مرد (۳۵٪)، کارگران مرد (۳۷٪)، کاسب‌کار (۱۶٪)، سایر اقشار (۱۶٪) برآورد شد و در نهایت به ترتیب حجم برآوردهای کارمند، کارگران و کاسب‌کاران مرد (۵۱ نفر، ۵۲ نفر، ۵۱ نفر) به دست آمد که در مجموع ۱۵۴ مرد به عنوان نمونه برآورد گردید.

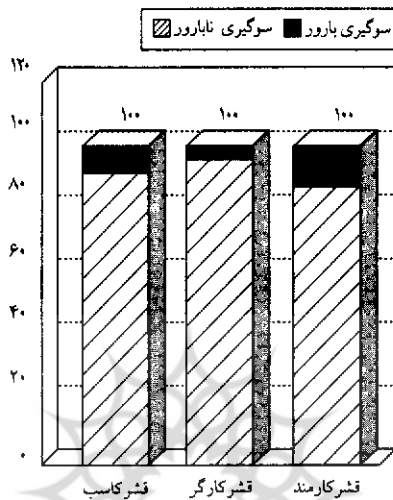
ب- با توجه به این که جامعه آماری مربوط به زنان سه قشر و تعیین نوع آن عمدتاً از طریق نوع قشر سرپرست خانوار (مرد) تعیین می‌شود بنابراین حجم زنان نمونه قشر کارمند ۵۱ نفر، کارگر ۵۲ نفر و کاسب‌کار ۵۱ نفر و در مجموع ۱۵۴ نفر برآورد شد که با احتساب ۱۵۴ نفر مرد انتخابی کل حجم جامعه نمونه ۳۰۸ نفر می‌باشد.

از سوی دیگر با توجه به این که آقای دکتر دلاور در کتاب «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی» برای مطالعات زمینه‌یابی جهت گروه‌های اصلی ۱۰۰ نفر و برای هر یک از زیر گروه‌های وابسته ۲۰ تا ۵۰ نفر پیشنهاد می‌کنند (دلاور، ۱۳۷۴: ۱۲۸). بنابراین، این پژوهش از پیشنهاد مزبور استفاده کرده به طوری که کل حجم نمونه را ۳۰۰ نفر و برای هر یک از گروه‌های اصلی (هر قشر) ۱۰۰ نفر و برای هر یک از زیر گروه‌های (زن و مرد) هر قشر ۵۰ نفر را انتخاب می‌کند که این حجم برآوردی تقریباً نزدیک محاسبات برآوردی بند الف می‌باشد.

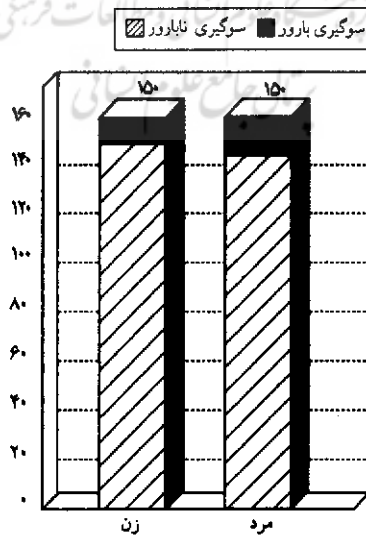
۶- با توجه به این که حجم کل جامعه نمونه ۳۰۰ نفر برآورد شد که ۱۰۰ نفر قشر کارمند، ۱۰۰ نفر قشر کارگر و ۱۰۰ نفر قشر کاسب است و با در نظر گرفتن اینکه ۳۹ بلوک در سه حوزه (در هر حوزه ۱۳ بلوک) انتخاب شد. بنابراین در هر بلوک تقریباً با ۸ نفر (۷/۷) مصاحبه می‌شود به طوری که در هر بلوک از قشر کارگر حدود ۲ تا ۳ نفر (۲/۶)، از قشر کارمند حدود ۲ تا ۳ نفر (۲/۶) و از قشر کاسب نیز حدود ۲ تا ۳ نفر (۲/۶) مصاحبه به عمل آمد و با در نظر گرفتن این که فهرست افراد قشرهای فوق موجود نمی‌باشد، طریقه انتخاب افراد در هر بلوک به صورت قابل دسترسی می‌باشد که به نسبت مساوی از زنان و مردان انتخاب می‌شود.



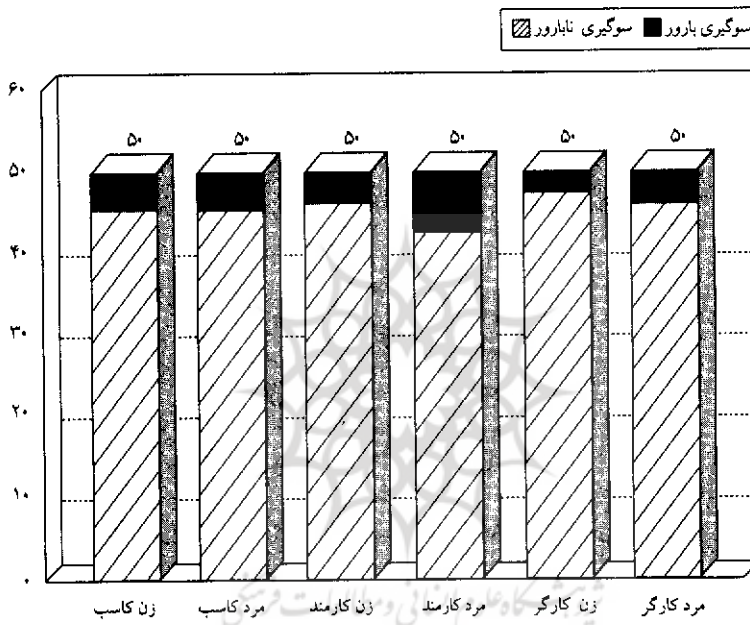
نمودار ۱- مقایسه نوع (کل) نظام های شخصیتی در قشرهای اجتماعی کاسب، کارگر و کارمند



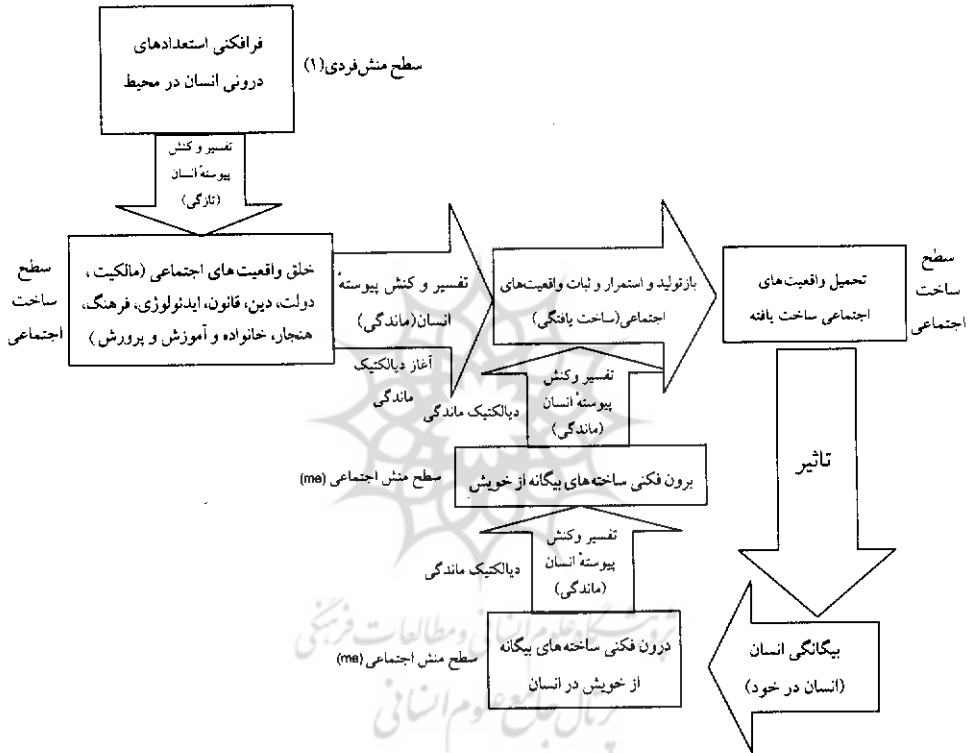
نمودار ۲- مقایسه نوع (کل) نظام های شخصیتی زنان و مردان



نمودار ۳- مقایسه کل (نوع) نظام های شخصیتی در گروه های شش گانه



نمودار ۴- مدل فرایند تفسیر و کنش پیوسته و جمعی تازگی و ماندگی در تولید و بازتولید ساخت اجتماعی



### جدول ها

جداول ۱ - توزیع های فراوانی نوع نظام شخصیتی در اقدار اجتماعی کارگر، کارمند و کاسب

نوع نظام شخصیتی	Fi	Pi
بارور	۳	%۳
نابارور	۹۷	%۹۷
جمع	۱۰۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کارگر

نوع نظام شخصیتی	Fi	Pi
بارور	۱۰	%۱۰
نابارور	۹۰	%۹۰
جمع	۱۰۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کارمند

نوع نظام شخصیتی	Fi	Pi
بارور	۸	%۸
نابارور	۹۲	%۹۲
جمع	۱۰۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کاسب

جداول ۲ - توزیع های فراوانی نوع نظام شخصیتی در زنان و مردان

نوع نظام شخصیتی	Fi	Pi
بارور	۸	%۵/۳
نابارور	۱۴۲	%۹۴/۷
جمع	۱۵۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی زنان

نوع نظام شخصیتی	Fi	Pi
بارور	۱۳	%۸/۷
نابارور	۱۳۷	%۹۱/۳
جمع	۱۵۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی مردان



جدول ۳ - توزیع های فراوانی کل (نوع) نظام شخصیتی زنان و مردان اقشار اجتماعی کارگر، کارمند و کاسب

نوع نظام شخصیتی	$F_i$	$P_i$
بارور	۴	%۸
نابارور	۴۶	%۹۲
جمع	۵۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کاسب زن

نوع نظام شخصیتی	$F_i$	$P_i$
بارور	۳	%۶
نابارور	۴۷	%۹۴
جمع	۵۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کارمند زن

نوع نظام شخصیتی	$F_i$	$P_i$
بارور	۱	%۲
نابارور	۴۹	%۹۸
جمع	۵۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کارگر زن

نوع نظام شخصیتی	$F_i$	$P_i$
بارور	۴	%۸
نابارور	۴۶	%۹۲
جمع	۵۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کاسب مرد

نوع نظام شخصیتی	$F_i$	$P_i$
بارور	۷	%۱۴
نابارور	۴۳	%۸۶
جمع	۵۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کارمند مرد

نوع نظام شخصیتی	$F_i$	$P_i$
بارور	۲	%۴
نابارور	۴۸	%۹۶
جمع	۵۰	%۱۰۰

جدول توزیع فراوانی نظام های شخصیتی در قشر کارگر مرد



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی